

تحلیلی بر ابعاد زیباشناختی آبریز شجاع بن منعه موصلى

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

کد مقاله: ۱۶۶۴۶۵

محمد افروغ^۱

چکیده

هنر-صنعت فلزکاری شهر موصل، یکی از مهم‌ترین مکاتب فلزکاری در دوره اسلامی و بهویژه در قرن ششم و قرن هفتم هجری و در زمان فرمانروایی خاندان آل زنگی و بهطور خاص، بدرالدین لؤلؤ مهم‌ترین حکمران این خاندان بود. هنرمندان و صنعت‌گران موصلى در این دوره توانستند با بهره‌گیری و تأثیرپذیری از فنون ساخت و تزئین آثار فلزی که از تمدن‌های گذشته و هم‌جوار نظیر تمدن ساسانی و تمدن‌های هم‌عصر، بهویژه تمدن درخشان سلجوقی و مکتب فلزکاری خراسان شده بود، بهترین آثار را با به‌کارگیری خلاقیت و نوآوری در ساخت و تزئین با هویت یومی، فرهنگ و آداب موصلى تولید کنند. از انواع تولیدات مشهور موصلى می‌توان به آبریزهای ساخت این مکتب اشاره داشت که یکی از عمده‌ترین تولیدات در عرصه ساخت ظروف فلزی بوده است. آبریز شجاع بن منعه موصلى، یکی از برجسته‌ترین آبریزهای مکتب فلزکاری موصلى است که به لحاظ فن‌شناختی و زیباشناختی و ارزش‌های جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی، می‌تواند منبع خوبی برای شناسایی جامعه و طبقه مردم موصلى قرن هفتم هجری باشد. این آبریز با پیشرفت‌های فن ریخته‌گری ساخته و با کیفی ترین شیوه تزئین یعنی ترصیع کاری با نقره، آراسته شده است. روایت‌های نقش‌پردازی شده از نوع موضوعات رایج آن روزگار جامعه موصلى (طبقه اشراف و فروdest) است. موضوعات کنده‌کاری شده بر بدنه آبریز عبارت است از: ورزش (کشتی)، موسیقی، رقص، شکار، نبرد و آرایش کردن می‌باشد. این مقاله از نوع بنیادین و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات هم کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: وصل، فلزکاری، آبریز، شجاع بن منعه موصلى.

۱. استادیار دانشگاه اراک، دانشکده هنر، گروه آموزشی فرش. (m-afrough@araku.ac.ir)

۱- مقدمه

مکتب فلزکاری موصل و آثار تولیدی آن، یکی از مهم‌ترین منابع و مکاتب هنری است که با رصد آن می‌توان جامعه آن روزگار موصل-بهعنوان یکی از مناطق تمدنی و قدیم در جهان بهویژه به لحاظ قرارگیری در کنار شهرهای باستانی هترا(پایتخت اشکانی) و مدائن(پایتخت ساسانی)- را مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرارداد. موصل یکی از شهرهایی که در تولید آثار هنری کاربردی به طور خاص فلز، در تمدن اسلامی شهره و سرآمد بود. شهر موصل در سال ۴۸۹ هـ / ۱۰۹۶ م به تصرف سلجوقیان درآمد و هنرها و پیشه‌های مختلف به دست آنان شکوفا شد. این شهر در ایام فرمانروایی حاکمان آل زنگی^۱ بین سال‌های ۵۱۶-۶۰۰ هجری قمری و به طور خاص در قرن هفتم به اوج درخشش خود در هنر رسید. آبریزهای یکی از مهم‌ترین محصولات فلزی و تولید کارگاه‌ها و مکاتب فلزی در تمدن‌های مختلف جغرافیای اسلام است که بنابر نقش و کاربرد، اهمیت به سزائی در جامعه زمان خود داشته است. موصل به عنوان یکی از قطب‌های مهم تولید آثار فلزی کاربردی در قرن ششم و هفتم و بهویژه در زمان حاکمیت آل زنگی، جایگاه ویژه‌ای در ساخت و عرضه آبریزهای مسی، مفرغی و برنجی و ترصیع کاری شده با طلا و نقره داشته است. شکل، عرصه و قدرت نقش‌پردازی و همچنین شهرت و آوازه آبریزهای ترصیع کاری شده باعث شد تا در قالب هدیه و سفارش، دامنه حضور خود را تا جغرافیا و سرزمین‌های بسیار دور تثبیت بخشد و پس از گذشت قرن‌ها و طی کردن عمری دراز، امروزه زینت‌بخش موزه‌ها و مجموعه‌های بزرگ و معروف دنیا باشند. آبریز شجاع ابن منعه موصلی که به مشربه بلاکاز نیز معروف است، یکی از برجسته‌ترین محصولات و مصنوعات فلزی ساخت مکتب موصل است که نشان دهنده قدرت هنرمندانه و مهارت فلزکار موصلی در نقش‌پردازی و پرداخت مفاهیم زیباشناختی در قالب کنده کاری و ترصیع کاری موضوعات جامعه موصل بهویژه در قرن ششم و هفتم است. چه این‌که نگاره‌ها و موضوعات کنده کاری شده بر بدنه این آبریز خود نمود یک گزارش کامل از اوضاع و احوال جامعه آن زمان است. در این مقاله، آبریز یاد شده از منظر فن ساخت، شیوه ترتیب، انواع ترتیب‌نات، موضوعات و محتوای ترتیب‌نات، مورد بررسی، توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

تحقیق و پژوهش پیرامون مکتب فلزکاری موصل و آثار تولیدی آن، به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های ساخت مصنوعات فلزی در تمدن اسلامی، آن چنان که باسته است، صورت نگرفته است. البته هنرپژوهان حوزه هنرپژوهان حوزه هنرآسلامی آن سان که به بخش فلزکاری وارد شده‌اند، به اختصار و در حد صفحه و یا پاراگراف‌هایی، در ارتباط با فلزکاری و ساخت انواع آثار فلزی در موصل، سخن گفته و توصیف نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب‌هایی تحت عنوان "هنرآسلامی" اثر(هاگ‌دون، ۱۳۹۴، کوئل ۱۳۸۵)، ایروین، ۱۳۸۹، کنی، ۱۳۹۳، تالبوت رایس، ۱۳۸۵، بیلر و بلوم، ۱۳۸۵)، اشاره داشت. اما به طور خاص، می‌توان به تحقیق جامع و کتاب "آثار فلزی مکتب موصل در عصر عباسی(العیدی، ۱۳۹۰)"، تنها کتابی که به تفصیل از مکتب فلزکاری موصل از ابعاد و مناظر مختلف سخن گفته و همچنین انواع آثار فلزی ساخت هنرمندان این دیار را معرفی و تحلیل نموده است، اشاره داشت. همچنین مقاله با عنوان "پژوهشی در شیوه‌های ساخت و مضامین مکتب فلزکاری موصل مطالعه موردي: صندوقچه و شمعدان بدالدین لؤلؤ(افروغ و قانی، ۱۳۹۲)" که در آن ضمن معرفی مکتب فلزکاری موصل، دو اثر از این مکتب مورد مطالعه، بررسی و تحلیل فن-شناختی و زیباشناختی قرار گرفته است. همچنین مقاله "بررسی و تحلیل نقش و نگاره‌های آبریزهای موصل (مطالعه موردی: آبریز احمد زکی القاش موصلی، آبریز یونس بن یوسف موصلی، آبریز قاسم بن علی موصلی، آبریز ابراهیم بن موالیای موصلی)"(افروغ، ۱۳۹۵)، که در آن نویسنده به بررسی و تحلیل نقش و نگاره‌های آبریزهای مکتب فلزکاری موصل پرداخته است. همچنین در مقاله "قرابت‌های ساختاری و مضامونی هنر فلزکاری مکتب خراسان و موصل(بررسی موردی شمعدان مفرغی نقره-کوب موزه ایران باستان و شمعدان ابوبکر حاج جلدک موصلی در موزه بوستون آمریکا)"(موسی پور و محمودی، ۱۳۹۵)، که در آن نویسنده‌گان به بررسی ساختار و مضامین دو اثر از مکتب فلزکاری خراسان و موصل پرداخته‌اند. در مقاله پیش رو، آبریز شجاع بن منعه موصلی که یکی از شاخص‌ترین آثار موصلی است، مورد تحلیل و واکاوی قرا خواهد گرفت.

۱. اتابک، واژه‌ای است که دلالت بر نوعی از وظیفه و منصی می‌کند. واژه‌ای است ترکی و مرکب از دو کلمه اتا به معنی پدر و بک به معنی امیر و سرهم به معنی پدر شاهزاده است. این لقب به مریان فرزندان سلاطین سلجوقی داده می‌شد. اتابکان تا زمانی که شاهزاده کوچک به سن بلوغ می‌رسید به نیابت از آنان امور کشور را در دست داشتند و کم کم آن چنان قدرت یافتند که زمام مملکت به دست ایشان افتاد و فرزندان سلاطین هیچ قدرتی از خود نداشتند. (ن.ک: این اییر، ۱۹۳۲ میلادی، البدایه و النهایه فی التاریخ، چاپخانه السعاده، قاهره، ج ۱۳ ص ۲۳۴). این در حالی است که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که آل زنگی تا سال ۱۲۵۳ هـ / ۱۲۵۵ م که مغلان در آن سال موصل را اشغال کردند هم-چنان بر موصل حکومت می‌کردند.

۳- مکتب فلزکاری موصل و تأثیرپذیری از هنر فلزکاری ایرانی(ساسانی و سلجوقی)

هنر ساسانی نقش بهسزا و انکارناپذیری در شکل‌گیری و توسعه هنر دوران بیزانس و اسلامی داشته است. «هنر ساسانی به طور عام و فلزکاری به طور خاص، سهم بر جسته‌ای در تولید آثار فلزی دوره اسلامی و چهارفیای تمدن اسلامی به ویژه کانون‌های خراسان و موصل، هم در بعد فنی و فنون ساخت، ترئین و هم در بعد استفاده و بهره‌گیری و بازتاب عناصر، نقش‌مایه‌ها و ضامن تصویری داشته است»(افروغ، ۳۹۷: ۷۱). در واقع «می‌توان ادامه مضمون‌ها و نقش‌های ساسانی را شناخت که در تولید اشیاء هنری [فلزی] باعث شکوفایی هنر فلزکاری اسلامی بوده است. ضامن‌کننده ساسانی مانند شکار، شادخواری(می‌گساری)، نقش‌های اسلامی، فردی(سلطان) نشسته بر تخت و هال ماه در دست و غیره، ادامه یافت»(فرای، ۱۳۶۳: ۱۹۷-۱۹۸). آثار و مصنوعات فلزی که «به شکل حیوانات و پرندگان ساخته شده‌اند، اگرچه بیشتر آن‌ها منسوب به ادوار اولیه اسلامی هستند ولی روح فنی ساسانی کامل‌اً در آن‌ها تجلی می‌کند»(محمدحسن، ۱۳۶۶: ۲۵۵). در واقع آثار فلزی اسلامی چه در قرون نخستین و چه در دوران سلجوقی، در بعد فنی و زیباشناختی از آثار فلزی ساسانی گشته است. ضمن این که آثار فلزی موصل نیز از این گوبداری و تأثیرپذیری مستثنی نبوده و بسیاری از نقوش دوران ساسانی همچون سلطان نشسته بر تخت و ملازمان در دو طرف، پرندگان و حیوانات در طوفین درخت زندگی(قدس)، نقوش مربوط به شکار و بسیاری نقوش دیگر، همه برگرفته از گووهای ساسانی است.

۴- مکتب فلزکاری موصل و تأثیر آن بر مکاتب فلزکاری شام، مصر، شمال آفریقا، اندلس،

ونیز و سیسیل

با یورش و استقرار ترکان سلجوقیان به ایران و سپس آسیای صغیر در سال ۱۰۷۱ م و تسلط بر این چهارپایه، حاکمیت سلجوقیان آغاز شد. در شمال بغداد، حکومت‌های محلی کوچک متعددی همچون اتابکان زنگی^۱ در موصل بوجود آمد که نمونه بازی از شکوه و جلال آن سلطان‌نشین‌ها بود. که اغلب حاکمان آن دوست‌داران هنر بودند و بواسطه حمایت آن‌ها، مکاتب هنری به طور خاص کارگاه‌های فلزکاری، رواج بر جسته‌ای یافت(هاگه‌دورن، ۱۳۹۴: ۱۴). در دوران اتابک بدرالدین لؤلؤ(۱۲۵۹-۱۲۳۴) حاکم موصل، مکتب مهمی در رشتۀ فلزکاری احداث شد که ضمن داشتن هویت، ویژگی‌ها و شاخص‌های خاص خود، از جمله فنون ساخت و ابعاد هنری، از ضامنین و سنت‌های تصویری ساسانی هم به طور مستقیم و هم با واسطه - از طریق فلزکاری خراسان که خود استمرار و دنباله‌رو هنر ساسانی است - تأثیر و گوپذیری داشته است. «دوره رونق آثار فلزی شهر موصل در ایام فرمانروایی بدرالدین لؤلؤ، بر موصل و سرزمین‌های اطراف آن بوده است»(تالبوت رایس، ۱۳۸۴: ۱۱۰). مکتب فلزکاری موصل «دارای اسلوب ویژه‌ای است که ویژگی عمدۀ آن عبارت است از استفاده از تصاویر انسان، جانداران، صحنه‌های گوناگون شکار و زیاده‌روی در به کار بردن نقره در ترصیع کاری است»(Lane pool, 1886, p. 45).

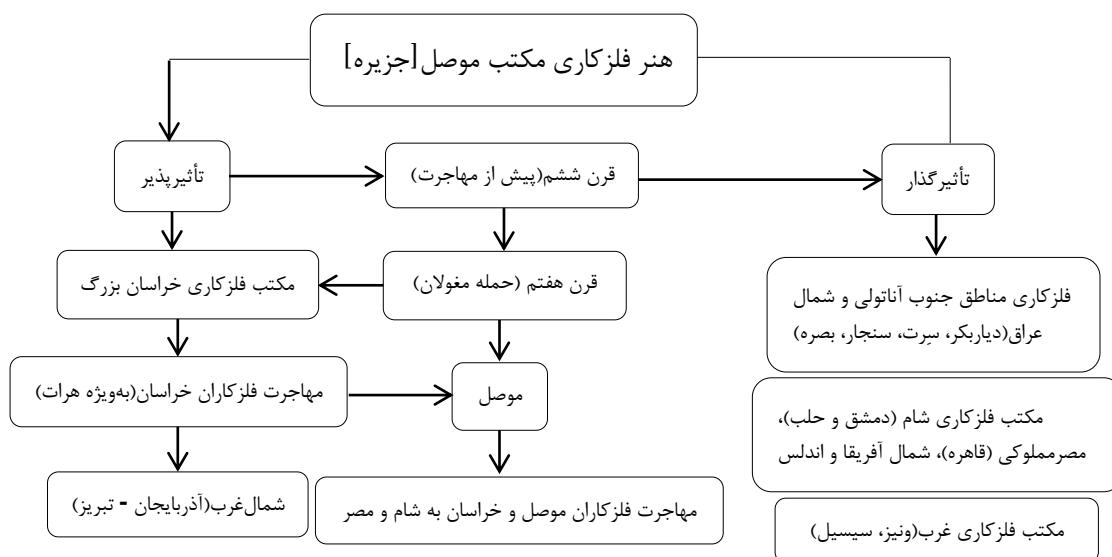
فلزکاری موصل، هنر شاخصی است که از طریق پیوند و به کارگیری فنون، حجم، سبک و شیوه ساخت و ترئین آثار فلزی در ایران(فلزکاری ساسانی و خراسان عصر سلجوقی) - که خود نیز به نوعی جزئی از آن و تحت نفوذ آن بود -، توانست به مکتبی شاخص و صاحب تشخّصی منحصر به فرد و متمایز از سایر مکاتب فلزکاری هم‌عصر و حتاً پیش از خود تبدیل شود و بر کانون‌های فلزکاری سایر چهارپایه‌ای جهان اسلام همچون مناطق پیرامون موصل شامل جنوب آناتولی(دیاربکر، سرت، سنجار)،(شام، مصر، شمال آفریقا، اندلس) و غرب(ونیز، سیسیل) تأثیر بسزایی بگذارد. چه این که این تأثیر و تقلید بعد از حمله مغولان به خراسان و موصل و مهاجرت فلزکاران این شهرها به مناطق یاد شده به ویژه شام و مصر دو چندان شد. «از نمونه‌های مشهوری که در دست داریم، روش‌می‌شود که هنر ترصیع آثار فلزی از موصل به دمشق و از آن‌جا به قاره انتقال یافته است. این امر به دست فلزکاران موصل صورت پذیرفته که به این دو شهر مهاجرت نمودند. تا آن‌جا که این هنر در شهر قاهره بازار ویژه‌ای را به خود اختصاص داد. این هنر - صنعت به اروپای قرون وسطی(سده‌های میانه) انتقال یافت. به گونه‌ای که فلزکاران اروپایی به ویژه فلزکاران ونیز به تقلید از این صنعت روی آوردند و از تعدادی از سازندگان این آثار پُربار دعوت کردند که به ونیز بروند و اهالی آن‌جا را در ساخت

۱. اتابک، کلمه‌ای است که دلالت بر نوعی از وظیفه و منصبی می‌کند. واژه‌ای است ترکی و مرکب از دو کلمه اتا به معنی پدر و بک به معنی امیر و سرهم به معنی پدر شاهزاده است. این لقب به مریان فرزندان سلاطین سلجوقی داده می‌شد. اتابکان تا زمانی که شاهزاده کوچک به سن بلوغ می‌رسید به نیابت از آنان امور کشور را در دست داشتند و کم کم آن چنان قدرت یافتند که زمام مملکت به دست ایشان افتاد و فرزندان سلاطین هیچ قدرتی از خود نداشتند(ن.ک: ابن اثیر، ۱۹۳۲ میلادی، البدایه و النهایه فی التاریخ، چاپخانهٔ السعاده، قاهره، ۱۳ ص ۲۳۴). این در حالی است که برخی از پژوهش‌گران بر این باورند که آل زنگی تا سال ۱۲۵۳/۱۲۵۵ م که مغولان در آن سال موصل را اشغال کردند هم‌چنان بر موصل حکومت می‌کردند. درخشان‌ترین دوره حکومت سلجوقیان در شهر موصل، ایام فرمانروایی اتابک زنگی بود، که بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۱ هجری حکومت کرد. از ویژگی‌های بارز اتابکان آل زنگی در موصل و به ویژه در دوران بدرالدین لؤلؤ، توجه به انواع صنایع، فنون و انواع هنرها به ویژه هنر - صنعت فلزکاری بود. این اهتمام در مهارت صنعت‌گران در اشکال مختلف هنر فلزکاری و ترئینات آن جلوه‌گر شد.

۲. مورخ معروف مصری المقريزی در ارتباط با بازار ترصیع کاری می‌نویسد: این بازار شامل چند مغازه ترصیع کاری است. یعنی دکان و مغازه‌هایی که ظروف مسین را با طلا و نقره خانم‌کاری می‌کنند. ن.ک به المقريزی، الخطوط و الآثار فى المصر والقاهره، انتشارات دارالطباعه مصریه، بولاق، سال ۱۲۷۰ هجری، ج. ۲، صفحه ۱۰۵.

چنین اثاری یاری دهد. به طوری که از پیوند و تلفیق مکتب فلزکاری موصل و سلیقه ایتالیایی، مکتبی پا به عرصه وجود گذاشت که به مکتب شرقی و نیز معروف است^۱(البیدی، ۱۳۹۰، ۲۰۰). استنلی لین پول^۲ و گاستون میگون^۳ از تأثیر فلزکاری موصل بر دیگر حوزه‌ها همچون شام و مصر یاد می‌کنند و معتقداند: «مکتب فلزکاری موصل دارای اسلوب ویژه‌ای است که ویژگی عده آن عبارت است از تصاویر انسان، جانداران، صحنه‌های گوناگون شکار و زیاده‌روی در به کار بردن نقره در ترصیع کاری. این مکتب تأثیر بسزایی در مکاتب فلزی شام و مصر داشته است»(پیشین، ۱۵).

مکتب فلزکاری موصل «تأثیر زیادی در صنعت فلزکاری در سایر کشورهای اسلامی گذاشت و عده‌ای از هنرمندان این شهره قاهره، حلب، بغداد و دمشق مهاجرت کردند و این سبک روش را نجح دادند»(شیرازی، ۱۳۶۲، ۱۷۲). همچنین دوگلاس باریت^۴ در پژوهش خود در زمینه آثار فلزکاری اسلامی که به سفارش موزه بریتانیا انجام شده‌است، به اهمیت شهر موصل به عنوان یکی از مراکز فلزکاری و نیز تأثیر آثار فلزی موصل بر آثار فلزی و نفیس سوریه و مصر، پرداخته است. در بررسی هنر فلزکاری موصل می‌بایست به دو سطح تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اشاره داشت. در یک سطح تأثیرپذیری و الگوبرداری از سنت فنی و هنری فلزکاری ساسانی به‌طور غیرمستقیم و هنر فلزکاری خراسان بزرگ(هرات و مشهد) به صورت مستقیم تا پیش از حمله مغولان به ایران و عراق[موصل]. همچنین تأثیرگذاری بر مکاتب فلزکاری تمدن اسلامی شامل کانون‌های فلزکاری شام(دمشق و حلب)، مصر(قاهره)، شمال آفریقا و اندلس و مکاتب فلزکاری تمدن غربی^۵ شامل هنر فلزکاری و نیز سیسیل.(تصویر۱).



تصویر ۱: تأثیرپذیری مکتب فلزکاری موصل از سنت فلزکاری ساسانی(غیرمستقیم) و مکتب فلزکاری خراسان(هرات) و تأثیرگذاری بر مکاتب فلزکاری تمدن اسلامی(شام، مصر، جنوب آناتولی، شمال آفریقا، اندلس) و غرب(نیز، سیسیل)(منبع: پژوهش‌گر)

۵- بولیدات و سیوه‌های ساحت ادار موصلی

در مکتب فلزکاری موصل، آثار مختلف و متنوع کاربردی جهت استفاده و کاربرد روزانه استفاده می‌شد. برخی از این وسائل عبارت است از: آبریز^۶، شمعدان، جوهردان(مرکب‌دان)، بخوردان، پی‌سوز، تشت(لگن)، کاسه، سینی، گلدان، صندوقچه، ابزار آلات نجومی همچون اسٹرالاب، ساعت آفتابی، ابزار آلات جنگی و غیره. روش‌های ساخت و شکلی دهی آثار فلزی در موصل از شیوه‌هایی معمول و رایج دوران ساسانی بهره‌گیری شد. ضمن این که پیشرفت، خلاقیت و نوآوری در این روش‌ها به سطح بسیار بالایی رسید. «اعراب مسلمان از هنرها و صنایع گوناگون ملل تحت حکومتشان به‌ویژه ایران استفاده کردند. در ایران و عراق بهخصوص شهر موصل در زمینه ساخت آثار فلزی، همان روش‌های فلزی زمان ساسانیان دنبال شد»(البیدی، ۱۹۷۰، ۲۲).

۱. کریستی، تراث اسلام(میراث اسلام)، ترجمه زکی محمدحسن، ج، صفحه ۳۳.

2. Stanley Lin Pool.

3. Gaston Migeon.

4. Douglas Barrett. *Islamic Metalwork in the British Museum*. Trustees of the British Museum. London. 1979.

۵. برای اطلاع از این تأثیر رجوع شو به: ابوالقاسم دادر و نگار زجاجی، ۱۳۹۴، مطالعه تأثیرات فلزکاری سلجوقی در قرن پنجم هجری بر فلزکاری غرب سده‌های میانه، دوفصلنامه علمی ترویجی جلوه هنر، شماره ۱۴۵، صص ۷۹-۸۸.

۶. عراین واژه در زبان عربی ابریق نام دارد. در برخی از منابع مکتب نیز همین واژه به کار رفته است. پسندیده آن است که واژه آبریز استفاده شود.

اسلام و بهطور خاص موصل، به روش چکش کاری و بهطور غالب ریخته گری و قالب گیری، که در دوره اسلامی به پیشرفت شایانی نائل آمد، تولید می شد. «فن ریخته گری و قالب گیری در ساخته های فلزی فنی است که از روزگار باستان، صنعت گران با آن آشنا بوده و در دوران اسلامی هنرمند فلز کار با تجربه و خلاقیت خویش آن را به درجه دقت و ظرافت رسانید»(بیانی، ۳۸۲، ۶۲). فن ریخته گری روشنی است «سریع و کارآمد برای بازآفرینی اشیاء و مورد پسندترین روش ریخته گری روش قالب گیری و ریخته گری با موم است»(ward,1993,p.31).

۶- ترصیع کاری: مهم ترین و برجسته ترین فن در تزئین آثار موصلی

در فرآیند تولید و تزئین آثار فلزی در موصل، به جرأت می توان گفت مهم ترین بخش، مرحله شیوه نقش اندازی بر روی آثار بوده است. در فلز کاری موصل انواع فنون جهت ایجاد و کنده کاری ایجاد و تزئینات به کار می رفته که مهم ترین و برجسته ترین آنها فن ترصیع کاری بوده است. ترصیع کاری یا فلز کوبی یا خاتم کاری فلز، عبارت است از : قرار گیری و کوبیدن فلزات نظیر طلا یا نقره در زمینه مس، برنج یا مفرغ و ایجاد انواع نقش ها، طرح ها یا روایت به واسطه فلزات یاد شده. ترصیع کاری تولیدات موصل در دنیای آن روز شهده خاص و عام بود. این شیوه با ظرافت و دقت هر چه تمام در آثار موصلی به کار گرفته شد و سپس هنرمندان مناطق سوریه(شام و حلب) و مصر(قاهره) که البته بیش تر مهاجران خراسانی ساکن موصل و یا هنرمندان بومی موصل بودند، این فن را بر تولیدات خود پیاده کردند. ترصیع کاری یا فلز کوبی «روشنی است برای تزئین فلزات که در آن، نقش یا طرح موردنظر را بر روی سطح شیء نقش و حکاکی کرده سپس محل طرح را با قلم، گود و خالی کرده سپس محل کنده کاری شده را با ماده دیگری مانند نقره و مس و یا طلا پُر کرده و آن را چکش کاری می کردند. در مرحله نهایی با تیز کردن آتش، آن را مسطح کرده به گونه ای که شیء یک تکه به نظر می رسید و سپس با سنگ عقیق یا یشم آن را صیقل می دادند»(العیدی، ۱۹۷۰، ۱۹۵ / ۴۷). منظور از ترصیع کاری به طور کلی «ایجاد یک نوع تضاد در رنگ ها و ایجاد سایه روشن است که صنعت گران و حمزه لو، ۱۳۸۳، ۱۳۸۲). هنرمندان فلز کار آن را به بهترین نحو بر روی اشیاء فلزی ایجاد می کردند»(بیانی، ۱۳۸۲، ۴۴). هنرمندان موصلی در دوران رونق هنر فلز کاری در این شهر توансنتند انواع گوناگون موضوعات تزئین را توسط این تکنیک به طور گسترده و عمده در اشیاء تولیدی پیاده کنند. فن ترصیع کاری «ازش کالاهای و طروف برنجی موصل را درست مانند خراسان افزایش داد همچنین بسیاری از موضوعات تزئین در هنر و فلز کاری ایران(مکتب فلز کاری خراسان) مانند صحنه هایی همچون شکار(بهرام گور و آزاده در شکل ۱ و نقش نمادین بهرام در شکل ۲ که در یک دست تبر و در دست دیگر سر بریده دارد)، طالع بینی، تاج گذاری، نبرد و صحنه های زندگی روزمره و غیره به حوزه تزئین فلز کاری موصل راه یافت»(Ward,1993,p.80). هر چند فلز کاران موصل از فن ترصیع کاری خراسان تقلید و الگوبرداری می کردند، اما بیش تر شکل ها و موضوعات آثار حاصل خلاقیت و نوآوری و از یک مجموعه آثار و گنجینه ملی طراحی می شدند. از دیگر فنون به کار رفته در آثار فلزی موصل که به ندرت استفاده شده است می توان به مشبک کاری^۱، سیاه قلم^۲، ملیله کاری^۳، فیروزه کوبی^۴، گوز کاری^۵، اشاره داشت.

۷- انواع تزئینات و موضوع تزئینات آثار موصل

با بررسی تزئینات موجود و به کار رفته در آثار موصل، می توان گفت به طور کلی چهار نوع تزئین در آثار موصل وجود دارد که عبارت است از : تزئینات جانوری شامل نقش حیوانی و پرندگان، تزئینات انسانی، هندسی، گیاهی، کتیبه ای یا نوشتنی. تزئینات باد شده بر سطح و بدن آثار غالباً در فضای نواهای افقی که همچون کمرنده بدن فلزی را محیط کرده است و یا درون ترنج هایی پنج، هشت و یا دوازده پُر کنده کاری شده است. هنرمند هوشمندانه و با رعایت تناسبات ریاضی، فضاهای مناسب و متناسبی را جهت آفرینش، به وجود آورده است. موضوع تزییات به طور عمده شامل موسیقی، رقص، باده نوشی، شکار، نبرد، موضوعات درباری و گفتگوهای دو نفره، می باشد.

۱. مجوف و توخالی کردن قسم تهایی از ظرف را مشبک کردن می گویند. همچون عودسوزها، بخورانها و پایه شمعدان های مشبک شده موصل.
۲. سیاه قلم: غیر از فن فلز کوبی یا ترصیع کاری روش تزئینی سیاه قلم نیز در انواع اشیاء به کار رفته است که مقصود از انجام آن ایجاد سایه روشن در سطح یکنواخت فلزات بوده است. در این روش همچون ترصیع ابتدا سطح روی اشیاء با نقش موردنظر کنده کاری می شد و سپس ترکیبی از سولفات سیاه (مس+نقره+سربر) بر روی قسمت های کنده کاری شده ریخته می شد تا نقش تزئینی را با سایه های تیره تر خود از قسمت های روشن بدن هنر ظرف منمایز سازد و به این ترتیب با ایجاد تضاد در رنگ ها هم قسمت های تزئینی را مشخص ساخته باشند و هم سطح بدن ه شیء فلزی را از یکنواختی خارج نمایند.
۳. قرار گیری یقتوں های باریک و طریف مس، نقره و یا طلا در شیارهای ایجاد شده بر سطح فلز و خلق مجموعه ای از خطوط موازی، دایره ها شو، نقطه چین و .
۴. به کار بردن سنگ های فیروزه بر روی اشیاء فلزی به خصوص مس را فیروزه کوبی گویند.
۵. گوز کاری یعنی برجسته سازی سطح اشیاء از طریق چکش کوبی از پشت.

۸- آبریز شجاع بن منعه موصلی

آبریز شجاع بن منعه موصلی (تصویر ۲) که به «مشربه بلاکاز» (وارد، ۱۳۸۴، ۸۰)، نیز مشهور است، اثری است که توسط هنرمند فلزکار موصلی، شجاع بن منعه موصلی و در کارگاه وی که به گفته وارد «یکی از مهمترین و بهترین کارگاههای شهر موصل بوده» (ward, 1993, p.79) ساخته شده است. نام هنرمند بر گردن آبریز، در نوار پنجم، با خط نسخ ابتدایی، نقره‌گویی شده است (تصویر ۳). مختصات این آبریز در جدول ۱، آمده است. «تزئینات و کتیبه‌های این آبریز ترکیبی از مس و نقره است، شکل آن هشت ضلعی و به شکل گلاوبی است که «برای شکل گل‌گیری و ایجاد بدنۀ بُرش خورده‌ی پیغامبر رضی، چکش کاری و حکاکی گشته و با نقره و مس مرصع کاری شده است» (وارد، ۱۳۸۴، ۸۰). متأسفانه این آبریز بدون لوله بوده و به احتمال زیاد، لوله آن راست و مستقیم بوده است از این که لوله راست، ویژگی و صفت غالب آبریزهای ساخت موصل است» (العیدی، ۱۳۹۰، ۶۵). شیلا.، کنی درباره این آبریز معتقد است: «این آبریز با وجود این که لوله و پوشش آن از بین رفته مدرک بسیار مهمی در بررسی فلزکاری مرصع موصل است. این آبریز با تصویر باده‌نوشان تزئین شده اما به نظر می‌رسد از آن برای ریختن آب اشفاده می‌شد. چون فلز برنج تأثیر ناطلوبی بر نوشیدنی دارد» (کنی، ۱۳۹۳، ۸۹).



تصویر ۲: آبریز شجاع بن منعه موصلی (منبع: موزه بریتانیا)

تزئینات و موضوع آن‌ها در دوازده نوار افقی بر بدنۀ آبریز حکاکی و کنده- کاری و نهایتاً ترصع کاری شده است. نقش‌پردازی و ارائه موضوعات متنوع بر بدنۀ این آبریز هم‌چون سایر آثار فلزی مکتب موصل، در قالب نوارهای افقی، صورت گرفته است. درون هر نوار ترنج‌هایی چهاربُرونگه و یا هشت بُرنگ که روایت کننده موضوعات مختلف و متنوع است، هشت ضلعی‌های منتظم و دایره‌هایی با نقش‌های هندسی (Y, Z, T) شکل بر زمینه‌ای عمدتاً از نقش‌مایه (T) شکل بهم فشرده، وجود دارد. متأسفانه برخی از نقش‌های ترصع کاری شده بر زمینه اثر و درون ترنج‌ها، از بین رفته است، از این رو خوانش برخی از ترنج‌ها غیرممکن است. هم‌چنین دور تا دور لبه آبریز به مرور زمان دچار خوردگی و ساییدگی شده و از بین رفته است. تحلیل و توصیف آبریز حاضر شامل دو بخش تزئینات گردن و بدنۀ است.

جدول ۱: مختصات آبریز شجاع ابن منعه موصلی (منبع: پژوهش‌گر)

تصویر	محل نگهداری	شیوه تزئین	شیوه ساخت	ارتفاع و قطر	جنس	تاریخ تولید	نام اثر
	موزه ویکتوریا و آبریت لندن : شماره ۵-۲۶-۱۲	ترصع کاری (فلزکوبی، خاتمه- کاری) شده با نقره و مس	ریخته‌گری و چکش- کاری	۲۹ سانتی‌متر و قطر قاعده ۱۴ پائین سانتی‌متر	آلیاژ برنج	۱۲۳۲ میلادی ۶۲۹ هجری	آبریز شجاع ابن منعه موصلی



تصویر ۳: بخشی از نوار پنجم، نام هنرمند، ترصع کاری شده با نقره

۸- گردن آبریز

طول گردن آبریز ۱۳ و قطر دهانه آن ۶ سانتی‌متر است. در بالاترین بخش از آبریز، نوار نخستین از لبه تا قسمت زیر دسته قراردارد. در این نوار هشت دایره متواالی با نقش هندسی بر زمینه‌ای از تزئین گیاهی و در میان بافتی از پیچک‌های اسلامی و ختایی کنده کاری شده است.

از انتهای نوار نخست تا حلقه‌ای که در بخش انتهایی گردن قراردارد، نوارهای دوم، سوم و چهارم نقش‌پردازی و ترصع کاری شده است. نوار دوم نیز شامل ردیفی از دایره‌هایی با شکل هندسی متراکم (Z) شکل است که در میان پیچک‌های گیاهی، گل و برگ‌های نقره‌گون و نسبتاً غریب، محاط و نقش‌پردازی شده است. در این نوار کتیبه‌ای با مضمون "العز السالم و العز الدائم - سرفرازی سالم و جاوادانه" کنده کاری شده است. هم‌چنین بین این نوار و نوار شماره ۳، ردیفی از رشته‌های مرورید که از نقش- مایه‌های رایج در هنر ساسانی است، حکاکی و کنده کاری شده است.

در اغلب آثار فلزی دوران اسلامی بهویژه در مکتب فلزکاری خراسان و موصل، نقش‌مایه رشته مرواریدهای ساسانی دیده می- شود. نوار سوم که دارای زمینه بافتی نقش‌دار است، نسبت به دیگر نوارها کمی پهن‌تر می‌نماید. این نوار با نقش‌مایه (T) شکل،

بافتی زیبا را نمایانده و بر زیبایی ساق گردن افزده است. در این نوار تعداد هشت ترج هشت پر و متصل بهم که در زمینه آن ها افرادی هر یک در حالت های مختلف حکاکی و نقش اندازی شده است. یکی دف و دیگرانی سرگرم نوازنده‌ی عود و نی هستند، یکی نیز مشغول رقص و پایکوبی است در حالی که دیگری پیاله‌ای از شراب در دست دارد و مشغول باده‌گساری است. از جمله موضوعات منحصر به فرد این آبریز، نقش میمونی است که روی پاهای عقبش هم چون انسانی ایستاده قرار گرفته است. همچنین افراد نشسته، از رایج ترین روایتها و صحنه‌های نقش‌اندازی شده بر بدن آثار فلزی موصل است و این موضوعات در ترنج‌های این نوار در تصویر ۴، به خوبی مشاهده می‌شود. بعد از خاتمه نوار شماره سه، رشته وردیفی از مرواریدهای ساسانی به عنوان جداکننده نوارها، ترصیع کاری شده است. نوار شماره چهار از نظر پهنا (عرض) و محتوای تزئینات، شبیه نوار شماره دو است. تزئینات گیاهی زمینه نوار را شکل داده و به فواصل مساوی دایره‌های با زمینه نقش مایه (Z)، ترصیع کاری شده است. ضمن این که مضمون کتبیه نوار دوم نیز در اینجا تکرار شده است. در پائین نوار شماره چهار، گردن به حلقه برجسته‌ای آراسته شده است. این حلقه، گردن را به دو بخش (بخش نخست شامل نوارهای یک تا چهار و بخش دوم شامل نوارهای پنجم و ششم)، تقسیم کرده است. نوار پنجم شامل کتبیه اثر به خط نسخ با پهنا ۱/۸ سانتی‌متر در زمینه‌ای از تزئینات گیاهی نقش‌پردازی شده است. این کتبیه میان دو نوار باریک و مزین به مرواریدهای ساسانی قرار دارد. متن کتبیه چنین است: «نقش شجاع بن منعه موصلى فی الشہر اللہ مبارک، شهر رجب فی سنہ تسع و عشرون [عشرين] و ستمائے بالموصل. یعنی، ساخته و تزئین شده توسط شجاع بن منعه موصلى در ماہ رجب در سال ۱۲۵۱ میلادی / ۶۲۹ هجری در شهر موصل» (العیدی، ۱۳۹۰، ۶۶) که به صراحت بیان می‌دارد که در موصل ساخته شده است. «از میان آثار موصلى و منتسب به این شهر «این تنها اثری است که نام موصل به عنوان محل ساخت آن بر بدن آن حک شده است» (پیشین) (تصویر ۵).



تصویر ۴: بخشی از ترنج‌های نوار سوم با موضوع نوازنده‌ی، باده‌گساری، رقص (منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

فقیر خلط (بهم الْعَالَمُ لِتَحْتِ الْأَرْضِ الْمُكَوَّنُ مَوْسَى وَسَقِيَ وَكَرَدَ الْمَلَائِكَةِ مَلَكَهُ)

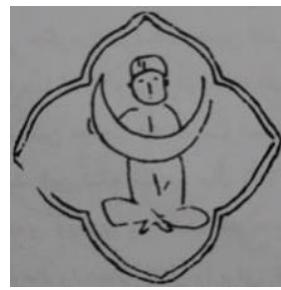
تصویر ۵: کتبیه نوار پنجم شامل تاریخ و محل ساخت و نام سازنده (منبع: العیدی، ۱۳۹۰، ۶۶)

پس از نوار پنجم، بلا فاصله یک رشته مروارید ساسانی نقش‌پردازی شده و سپس نوار ششم آغاز می‌گردد. منطقه‌ای که اندکی از سطح کتف یا شانه آبریز برجسته‌تر است. در هر نگاره شخصی دستار به سر و چهارزانو نشسته بیش تر مساحت نگاره را به خود اختصاص داده است. این نوار نیز هم‌چون نوار شماره ۳، روایت‌کننده صحنه‌های رایج در آثار موصلى است. «گاهی یک موضوع بیش از یک بار در نگاره‌های چهارپر تکرار شده است. در این صحنه‌ها شخصی عود می‌نوازد و دیگری قرص دایره‌ای شکل در اطراف صورتش وجود دارد در حالی که در نگاره دیگری شخصی چهار زانو و نقش هلالی را در میان دستاشن دارد» (پیشین، ۷۵) (تصویر ۶). برخی از صاحب نظران هم‌چون دیماند به این نتیجه رسیدند که تصویر مذکور یعنی نقش هلال ماه شعار یا نشان یکی

۱. در ارتباط با این نقش، نظریات متفاوتی وجود دارد. از جمله این که «تصویر مذکور یعنی نقش هلال ماه شعار یکی از افراد آل زنگی بوده است. یا اشاره به بدرالدین لولو دارد» (دیماند، الفنون الاسلامیه، ص ۱۵۳). که این نظر از سوی رایس رد می‌شود (انک: العیدی، آثار فلزی، آثار فلزی عود موصلى در عصر عباسی، ص ۷۶). از این‌رو که این نماد در دو اثر فلزی در زمان بدرالدین لولو دیده می‌شود. یکی روی این آبریز و دیگری روی یک سینی متعلق به او که در موزه مونیخ نگهداری می‌شود (Rice,Inlaid brasses from al - Dhaki,p.321) (پیشین، ۷۵).

۲. در ارتباط با این نقش، نظریات متفاوتی وجود دارد. از جمله این که «تصویر مذکور یعنی نقش هلال ماه شعار یکی از افراد آل زنگی بوده است. یا اشاره به بدرالدین لولو دارد» (دیماند، الفنون الاسلامیه، ص ۱۵۳). که این نظر از سوی رایس رد می‌شود (انک: العیدی، آثار فلزی، آثار فلزی عود موصلى در عصر عباسی، ص ۷۶). از این‌رو که این نماد در دو اثر فلزی در زمان بدرالدین لولو دیده می‌شود. یکی روی این آبریز و دیگری روی زکی محمد محسن براین باورند که این نقش اختیالاً نشان و شعار خود شهر موصلى بوده است (محمدحسن، ۱۹۴۸، ۵۴۲) و برای اثبات دلیل خود به وجود همین نقش بر روی چند نوع سکه استناد می‌کنند که به حصر بدرالدین لولو بر می‌گردد. همین نقش را نیز بر روی قلعه سنجار یافته اند (Friedrich,1911,p.115) (اما این نظریه هیچ پایه و اساسی ندارد) چون هیچ یک از منابع تاریخی هرگز اشاره نکرده‌اند که شهر موصلى دارای نشان و نماد مشخصی بوده است. و به باور رایس که اشاره شد، شاید وجود این نقش بر روی دروازه قلعه سنجار، به خاطر جلوگیری از چشم زخم بوده باشد. به طور کلی وجود نقش یاد شده بر روی آثار فلزی شاید بیان گری کی از برج‌های فلکی باشد که همان برج قمر یا ماه باشد (العیدی، ۱۹۷۰، ۷۷).

از افراد آل زنگی بوده است که در هنگام منصب شدن او از طرف سلطان برای خود بر می‌گزید و انتخاب می‌کرد، لذا ماه شب چهارده لقب بدرالدین لؤلؤ بوده و به احتمال زیاد چون این نقش بر روی آبریز و سینی بدرالدین لؤلؤ که در موزه مونیخ نگهداری می‌شود، بوده. بنابراین اشاره به بدرالدین لؤلؤ دارد (دیماند، ۱۹۵۸، ۱۵۳). اما رایس این نظر را به دلایل زیر رد می‌کند. ۱. لقب افتخاری بدرالدین لؤلؤ ماه شب چهارده بوده است نه ماه در حالت هلال، ۲. این نقش بر روی سکه‌های قبل از بدرالدین و سکه‌های دوران خود او نیز ضرب شده است و اهدافی شبیه به سحر و جادو دارد (Rice, 1953, p.321). نظر رایس صحیح به نظر می‌رسد چرا که نماد یاد شده نقش یا نشان هیچ یک از افراد خانواده زنگی یا بدرالدین لؤلؤ بوده است. چون همین نماد بر روی سکه‌ای که در موصل ضرب شده، پیدا شده بود که متعلق به سه تن از فرمانروایان موصل بوده که در دوره‌های مختلفی بر روی شهر حکومت کرده‌اند. همین نقش بر سکه‌ای (تصویر ۷) پیدا شده که تاریخ ضرب آن سال ۱۱۶۳ م / ۵۸۵ ه در دوران حاکمیت مسعود بن مودود بر موصل و نیز بر درب دایره‌ای از جنس برنج (تصویر ۸) که مربوط به موصل و اوایل قرن هفتم هجری است، دیده می‌شود. لین پول از سکه دیگری که نام ناصرالدین محمود را بر خود دارد، نام می‌برد که دارای این نقش است. این سکه نیز در سال ۱۲۲۵ م / ۶۲۲ ه در موصل ضرب شده است (Lane pool, 1886, 234). همین نقش بر سکه دیگری پیدا شده که به بدرالدین لؤلؤ بر می‌گردد (العیبدی، ۱۳۹۰، ۷۶). لذا به دور از عقل است که سه فرمانروای همان نقش یا نشان یا شعار را برای خود برگزیده باشند. از دیگر صحنه‌ها می‌توان به صحنه رقص و موسیقی (نازندگان سازهای مختلف)، جام شراب در دست و باده‌نوشی، یاد کرد.



تصویر ۷: سکه سلطان عزالدین مسعود اول بن مودود از سلاطین آل زنگی با نقش هلال ماه را در دست دارد

(منبع: پیشین، ۷۵)



تصویر ۸: درب برنجی، ترصیع کاری شده با طلا و نقره، موصل، اوایل قرن هفتم هجری با نقش مردی (سلطان) نشسته با هلال ماه در دست (منبع: www.davidmus.dk/en/collections/islamic/dynasties/late-abbasids)

۲-۸- دسته آبریز

دسته آبریز نیز مزین به نقوش گیاهی و گل و بوته‌های انتزاعی است. «بر دسته این آبریز تزئینات مختلفی وجود دارد که اساس آن شاخه‌های گیاهی و اشکال هندسی و خطی ساده است و در پائین این دسته نوار باریکی وجود دارد که کتیبه‌ای با خط نسخ با این مضمون برآن وجود دارد: الدوله و العافیه صاحبه، یعنی بخت و بهروزی از آن صاحب این آبریز باد» (پیشین، ۷۸).

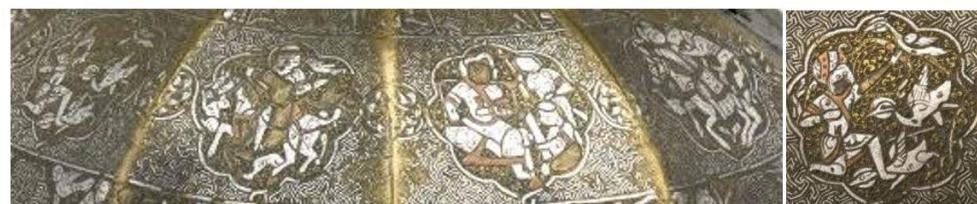
۳-۸- بدنه آبریز - راوی صحنه‌های مختلف زندگی

بدنه آبریز از بخش انتهایی گردن و بعد از نوار ششم، آغاز می‌شود. این بخش که مفصل ترین و عمدترين تزئینات آبریز را به خود اختصاص داده است. شامل انواع تزئینات همچون نقش‌های آدمیان (شکارچیان و جنگاوران)، جانوران شامل حیوانات متنوع و پرنده‌گان و همچنین نقوش گیاهی و گل و بوته‌های انتزاعی و اشکال هندسی، می‌باشد. از شش نوار تشکیل یافته که به صورت متاظر نوار نخست با نوار پنجم و نوار دوم با نوار چهارم به طور غالب به لحاظ ساختار و موضوع، یکسان است. اما محتوا نوار سوم و ششم متفاوت است. تمام نوارها شامل تزئینات گیاهی و هندسی و خطنگاره‌ها و همچنین نقوش انسانی، حیوانی و پرنده‌گان است. نوار نخست شامل تزئینات نوشتاری و کتبیه‌ای دعایی به خط کوفی در زمینه‌ای از تزئینات گیاهی - گل و بوته است. متن کتبیه عبارت "الوقار و السلامه و الرعایه و البرکه" می‌باشد. زیر این نوار، فضای نوار دوم است که از منظر موضوعی شبیه به نوار پنجم بوده با این تفاوت که از نظر وسعت فضای کوچک‌تر از آن به نظر می‌رسد. در نوار دوم و به تابع ریفی از هشت نگاره هشت-پر، که با دایره‌هایی کوچک‌تر و متفاوت به نقش خورشید (تصویر ۹) بهم متصل شده است، حکاکی، کنده‌کاری و نقش‌پردازی شده است. نقش‌مایه خورشید که واصل نگاره‌ها در زنجیره نوارهای مختلف در آبریز مذکور و دیگر ظروف موصلى نقش‌پردازی شده است، همچون دیگر موضوعات (شکار و نبرد) و نقش‌مایه‌های ایرانی نظیر مرغواریدهای ساسانی از هنر ایرانی و به طور خاص هنر سلجوقی و مکتب فلزکاری خراسان‌گویرداری شده است. رالف هراری^۱ هنر پژوه معروف هنر اسلامی و ایرانی بر این باور است که «این شیوه و سبک [نقش‌پرداز] در ایران [خراسان] معروف بوده است» (Harari, 1939, p.2496).



تصویر ۹: نقش‌مایه خورشید در نوار دوم و پنجم بدنه آبریز

زمینه اصلی هشت نگاره از بافتی از نقش‌مایه (T) شکل تشکیل یافته و درون آن انواع صحنه‌ها و موضوعاتی نظیر نبرد (فرد با فرد و فرد با حیوان)، به صورت تن به تن و هم به-صورت پیاده و هم سوار بر اسب، شکار (شکارچی هم به صورت پیاده و هم سوار بر اسب در حال شکار حیوانات نظیر خرس و پرنده‌گان)، مرد اسب سوار و قوش (شاهین یا باز بر دست)، حاکم (سلطان) نشسته و جام شراب در دست در حال می‌گساری، کنده‌کاری شده است. این موضوعات هر یک دو بار تکرار شده است (تصویر ۱۰). مواد به کار رفته در ترصیع کاری نوار مذکور، نقره و مس سرخ فام است. همچنین برای پُر کردن شکاف‌هایی که با این مواد پر نشده است از ماده‌ای سیاه‌رنگ استفاده شده است.



تصویر ۱۰: موضوعات مختلف (شکار، نبرد، می‌گساری و اسب سوار پرنده در دست در نوار دوم

(منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن)

در نوار شماره سه (تصویر ۱۱)، به لحاظ محتوا و ترکیبندی، از دیگر نوارها متفاوت است. این نوار دارای موضوع شکار و نبرد با صحنه‌های متنوع است که در بین آن‌ها، یک هشت ضلعی با بافت (T) شکل قرار گرفته است. در این نوار و صحنه‌های آن هنرمند سعی کرده از تمام فضا نهایت بهره را ببرد و فضایی پر کار را نقش‌پردازی نماید. همچنین از جنبه‌های خیالی (سگ بال‌دار، هاری-سر انسان با بدن پرنده) و نمادین (عناصر و نمادهای مریوط به نجوم) بر جسته‌تری بهره ببرد. در این نوار حضور حیوانات بهویشه شیر، گرگ، سگ، خرگوش و دیگر جانوران خیالی و غریب، چشم‌گیرتر است.



تصویر ۱۱: موضوع شکار و نبرد با فرم و ترکیب‌بندی متنوع در دست در نوار سوم (منبع: پیشین)

نوار شماره چهارم، که در حقیقت پهن‌ترین و عمدت‌ترین بخش تزئین بدن آبریز را به خود اختصاص داده است. این نوار نیز هم‌چون نوار دوم، دارای ده نگاره هشت پر نسبتاً بزرگ و ساختار و محتوای این نگاره‌ها با دایره‌های واصل بین آن‌ها و همچنین ماده سازنده یعنی مس سرخ‌فام و نقره، شبیه به نوار باد شده است. موضوعات درون نگاره‌های این نوار در زیر مورد بررسی، تحلیل و توصیف قرار می‌گیرد. نگاره نخست: موضوع این نگاره موسیقی و نوازنده‌گی است. فردی نی و دیگی عود می‌نوازد. به طور کلی شمايل و چهره انسان‌های نقش‌پردازي شده بر بدن آثار فلزی موصلى و خاصه اين آبریز از سنت تصویرگري تركى - مغولي و لباس آن‌ها (ججه یا بالاپوش و دستار) از سنت عربى، تبعيت می‌کند. چه اين که هاله‌اي از نور دور سر آن‌ها را فراگرفته که سنتی برگرفته از جهان ايران باستان و ريشه در آين ميترايسم داشته است. گفتنی است که «أغلب اين خصوصيات در بيشتر نگاره‌های مكتب نگارگري عربى و معاصر با اين آثار فلزی وجود دارد»(الباشا، ۱۹۵۹، ۱۲۷). همچنین زمينه درونی نگاره‌ها مملو از تزئينات گياهي، گل و بوته و پيچک‌های اسلامي و انتزاعي است(تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲: از چپ به راست نگاره‌های اول، دوم و سوم با موضوع موسیقی، نبرد و شکار(منبع: پیشین)

نگاره دوم با موضوع نبرد تن به تن است. در اين نگاره دو نفر يكى سوار و ديگرى پياده که در حال مبارزه با يكديگر هستند. سلاح هر دو شمشير و سپر است. به طور کلی نبرد تن به تن در حالت‌های گوناگون سواره یا پياده، يكى از موضوعات آثار فلزی موصلي و به طور خاص آبریز مورد مطالعه است. «اين موضوع در واقع نوعی از دلاوري و جنگجویی است که عرب‌ها آن را همچون بخشی از زندگی روزانه خود تمرین می‌کنند»(البيبدى، ۱۳۹۰، ۶۹). موضوع نگاره سوم شکار است. در اين نگاره فردی با وقار و عمامه به سر در طرف چپ نگاره دیده می‌شود که کمانی در دست راستش دارد و دست دیگرش را دراز است. در کنار او شخص دیگری قراردارد که ظرف را تقديم او می‌کند و احتمال می‌رود که اين صحنه بخشی از يك صحنه شکار است(تصویر ۱۲).

در نگاره چهارم با موضوع موسیقی و احياناً آوازخوانی مواجه‌يم. در اين نگاره دو بانوی نشسته را می‌بينيم که يكی در حال عودنوازی و ديگری در حال دایره یا داریه است. جالب آن که بانوی سمت راست ماسکی بر صورت دارد. که اين نيز يكی از سنت‌های قدیم عربی بوده است. نگاره پنجم با موضوع ساریان است. در اين نگاره بانوی باوقار که گویی شاهزاده یا اشراف‌زاده باشد با هاله‌ای دور سر، سوار بر شتری زنگوله به گردن است. فرد دیگری نيز به نظر می‌رسد که سوار بر شتر است درحالی که او می‌باشد پياده باشد از اين رو هنرمند فلزکار وی را برای دیده شدن در مناسب‌ترین نقطه ترتیج قرارداده است. چه اين که در سنت عربی و اسلامی برای سوار شدن بر روی يك مرکب، زن عقب و مرد جلو سوار می‌شود. اما فرد سوم که در حال کشیدن افسار شتر است ساریان است. از گردن شتر زنگوله‌ای آویزان است. به ظاهر اين صحنه حاکي از سفر در بیابان است. از اين رو که عرب‌ها در سفرهای بیابانی خوش از شتر استفاده می‌کنند. در نگاره ششم نيز با موضوع شکار مواجه‌يم. دو نفر بر روی شتری سواراند و البته

شتر بر عکس شتر نگاره پیشین در سمت چپ در حرکت است. شخصی که در جلو سوار است تیرش را به سوی آهوی نشانه گرفته که سرش را برگردانده است. نفر دوم به نظر می‌رسد، زنی است که پشت سر تیرانداز سوار است و در حال نواختن عود است. این صحنه نیز الگوبرداری از داستان بهرام گور و آزاده معشوقه‌اش باشد که از هنر ساسانی به هنر سلجوکی در دوران اسلامی و از آن جا به هنر فلزکاری و آثار فلزی موصل رسیده است. در پائین نگاره سگی دیده می‌شود که در حال دویدن است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: از چپ به راست نگاره‌های چهارم، پنجم و ششم با موضوع موسیقی، ساربان و شکار (منبع: پیشین)

موضوع نگاره هفتم، هم به نظر می‌رسد شکار است که باز هم به واسطه ژست و حالت شکارچی، الگوبرداری از نظام و سنت شکار پادشاهان ساسانی است. در این نگاره علاوه بر شکارچی و اسب، یک پلنگ شکاری و دست‌آموز بر روی کفل اسب و یا کنار دیده می‌شود که نگاهی به سوی شکار دارد. همچین آهوی درحال فرار و سگی در پائین نگاره و پرندۀای که گویی مرغابی است در جلو اسب دیده می‌شود. اما در نگاره هشتم با موضوعی متفاوت مواجه‌ایم. موضوعی از جنس صحنه‌های زندگی زنان درباری، کاخ‌نشین و اعیانی. که در اینجا بخشی از آن به تصویر درآمده است. در این نگاره زنی با هاله‌ای دور سر دیده می‌شود که درحال نگاه کردن به آینه است و کنیزی که بالای سر او ایستاده است و وسیله یا بزاری مربوط به آرایش کردن در دست دارد. به نظر می‌رسد که جعبه آرایش باشد که به صورت چند ضلعی است. در بالای نگاره جامی دیده می‌شود. صحنه مشابه این نگاره بر روی آبریز احمد زکی النقاش موصلى می‌توان دید که در موزه کلیولند نگهداری می‌شود. موضوع نگاره نهم نیز شکار است. در این نگاره یک شکارچی با همان الگوی شکار شاهان ساسانی بر روی اسب نشسته و رو به عقب برگشته و با سلاح تیر و کمان در حال شکار یک گرگ (دهان او را نشانه رفته)، می‌باشد (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: از چپ به راست نگاره‌های هفتم، هشتم و نهم با موضوع شکار، آرایش کردن و شکار (منبع: پیشین)

نگاره دهم که به نظر می‌رسد موضوع آن دربار یا مجلس سلطان یا حاکم است. در این نگاره و در طرف چپ، فردی با ریش بلندی بر روی تخت نشسته و نفر دومی که گویی ملازم یا محافظ و نگهبان است در طرف راست نگاره ایستاده است و نفر سومی که او نیز دارای ریش بلندی است و به صورت نشسته (سجده یا رکوع) دیده می‌شود که درحال بوسیدن دست راست فرد سلطان، حاکم و یا انسانی عالی مقامی است^۱ که از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است (تصویر ۱۵).

۱. صحنه‌ای تقریباً شبیه به این موضوع بر بدنه آبریز ساخت یونس بن یوسف موصلى دیده می‌شود. همچنین بر بدنه تشت (لگن) ساخت علی بن حمود موصلى و بر بدنه شمعدان منسوب به بدرالدین لؤلؤ. نک: هنرهای اسلامی، دیمان.



تصویر ۱۵: نگاره دهم با موضوع درباری - دست بوسی فرد سلطان، حاکم یا انسان والامقام
(منبع: پیشین)

نوار پنجم، فضایی باریک با عرض ۲/۵ سانتی‌متر و حاوی کتیبه‌ای دعایی با خط کوفی است که در زمینه‌ای از گل و بوته‌های گیاهی و تصاویر آدمی و نقوش حیوانات با دو صورت طبیعی و افسانه‌ای و تصاویری از پرندگان در حالت‌های نزدیک به هم و در قالب گروهی، فراردارد. مضمون کتیبه بدین گونه است: «العز و البقاء والراحة والوقار والعصمه والبركه والسلامه / والعافية والبركه والوقار / الغبطه واليمين عليها والحمد(؟) والرفعه والر / عايه لصاحبها. يعني سربلندی، ماندگاری، آسایش و متنانت، بی‌آلایشی، برکت، سلامت / تدرستی، برکت، وقار / غبطه، مبارکی، سپاس، ارجمندی و پشتیبانی [خدا] از آن صاحبش باد». همچنین علاوه بر خطنگاره‌ها، اشکالی دایره‌ای شکل که درون آن‌ها مزین به نقوش (Z) و (Y) است، در میان تزئینات یاد شده به چشم می‌خورد (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: بخشی از نوار پنجم با محتوای تزئینات گیاهی، هندسی و خطنگاره‌ها (منبع: پیشین)

نوار ششم، آخرین نوار بر بدن آبریز است که در بخش انتهایی آن حکاکی و کنده‌کاری شده و «دارای تزئیناتی از نوعی گل تقریباً شبیه به گل نیلوفر (لوتوس) ساده است» (العیدی، ۱۳۹۰، ۶۷). این گل‌های سه پر به صورت فشرده و متراکم و وارونه تمام فضای نوار را پر کرده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: بخشی از نوار ششم با محتوای تزئینات گیاهی و خطنگاره‌ها (منبع: موزه ویکتوریا و آلبرت)

نتیجه‌گیری

مکتب فلزکاری موصل، یکی از مهم‌ترین مکاتب هنر فلزکاری است که در اوچ تمدن اسلامی به حد اعلای خویش رسید. بر جستگی این مکتب هم به لحاظ فنون ساخت، کاربرد و شیوه‌های تزئین وامدار این فرآیند در ایران و مکتب فلزکاری خراسان و سایر کانون‌های شرق و شمال شرق تمدن ایران عصر سلجوقی است. چه این که منطقه موصل خود هم جوار مناطق آشور، نینوا و الحضر بود که همگی در هنر فلزکاری مشهور بودند و همچنین روزگاری بخشی از تمدن ساسانی بود که در هنر فلزکاری، ساخت و تولید انواع ظروف فلزی سرآمد تمدن‌های آن روزگار بود. علاوه بر این، هجرت بسیاری از هنرمندان فلزکار ایرانی و خراسانی تأثیر بهسزائی در شکوایی این مکتب داشت. به‌گونه‌ای که تولیدات موصلی ضمن برخورداری از تأثیرات ایرانی - هم در پیش از اسلام و هم پس از اسلام - به‌ویژه در شیوه‌های پرداخت و تزئین و موضوعات تزئین، دارای شخصیتی مستقل و عربی‌گون است. مکتب فلزکاری موصل در امتداد همین اوج و شهرت بود که توانست به عنوان یک هنر پیشرو در جهان اسلام آن روزگار، فلزکاری شام (دمشق) و مصر (قاهره) را از طریق هنرمندان مهاجر خود به آن مناطق، مورد تأثیرپذیری از خود قرارداده و باعث شکل‌گیری کانون‌های تولید آثار فلزی در این مناطق شود. بیشترین تولیدات و آثار به دست آمده از این مکتب، شامل شمعدان، آبریز، صندوقچه، سیتی، جوهردان، پارچ (گلاب‌پاش)، تشـتـ(لـگـنـ) و گلـدانـ می‌باشد که توسط بر جسته‌ترین هنرمندان این مکتب همچون

شجاع بن منعه موصلى، اسماعيل بن ورد موصلى، احمد ذکى النقاش موصلى، عمربن جلدك موصلى، اياس موصلى، عبدالکريم ترابي موصلى، قاسمبن على موصلى، يونس بن يوسف موصلى، ابراهيم بن مواليا، على بن عبدالله على موصلى، ابوکربن حاج جلدك موصلى، داودبن سلامه، ابن فتوح موصلى، على بن حمود موصلى، على بن کسيران موصلى، على بن حسين بن موصلى واحمدبن باره موصلى.

چنین که از شواهد و آثار شجاعبن منعه موصلى بر می آيد، اين هنرمند برجسته‌ترین هنرمند فلزکار موصلى است که توانست در دوران حیات هنری خویش، برجسته‌ترین آثار را از حیث نفاست و زیبایی و کاربرد برای طبقه اشراف و بهطورخاص دربار سلاطین آلنگی بهویژه بدرالدین لؤلؤ، خلق نماید. آبریز مورد پژوهش در این مقاله، یکی از زیباترین و منحصر به فردترین و برجسته‌ترین آثار فلزی مکتب فلزکاری موصلى و شجاعبن منعه موصلى است و تنها اثری است که نام موصلى بر آن کنده کاری شده است. ویژگی آثار موصلى در مؤلفه‌های متنوعی همچون فنون ساخت و تزئین و موضوع آن قابل توضیح است. فن ساخت آثار این مکتب، شیوه ریخته‌گری است که در موصلى به بهترین نحو ممکن اجرا می‌شد. همچنین شیوه‌های تزئین که به صورت‌های گوناگون اجرا می‌شد. ترصیع کاری یا در حقیقت خاتم کاری فلز با فلزاتی نظیر مس سرخ، نقره و طلا به شیوه‌ای هنرمندانه، پُر کاری‌های ظریف و با پیچیدگی‌های فنی از برجسته‌ترین شیوه‌های تزئین مکتب موصلى است که با سعه صدر هنرمند، بر بدنه آبریز مذکور نقش‌اندازی شده است. هنرمند با استفاده از کیفیت مطلوب فلز نقره به ترصیع کاری بر زمینه آبریز که از جنس برنج است، اهتمام ورزیده است. نقره از پرکاربردترین فلزات مورد استفاده در آثار فلزی موصلى است. یکی از تجربیات و کیفیات دیداری(بصری) در تزئین آثار موصلى، انتخاب کادرها یا فضاهای افقی برای نقش‌پردازی است که بدون استثنای در همه آثار نمایش تزئین و کنده کاری عناصر و نقش‌مايه‌های تزئینی بر بدنه اثر، در نوارهای افقی رخ نموده است و البته این متناسب و همراه با فضا و شکل اثر بوده است. انواع تزئین در آثار موصلى و بهطورخاص آبریز مورد اشاره، عبارت است از : نقش انسانی، جانوری، گیاهی، خوش‌نویسی و خط‌نگاره‌ها و اشکال هندسی است. هنرمند موصلى، به طور عمد از نقش انسانی، جانوری و گیاهی و خوش‌نویسی بیشترین بهره را در تزئین و نقش‌پردازی اثر خویش برده است که نمود آن آبریز حاضر است. همچنین موضوعات روزمره زندگی نظیر موسیقی، دهقانی(کشاورزی)، نبرد، شکار، ورزش، آرایش کردن و نیز موضوعات درباری، از موضوعات غالب و عمدۀ آثار فلزی موصلى و در سطحی آبریز شجاع بن منعه موصلى است. همچنین فضای نقش‌ها دارای رنگ و بوی عربی است که در غالب لباس‌های گشاد حاوی نوارهایی روی بازوan، نمود پیدا کرده است و نیز وجود دستارهایی که شیرازه‌های آن از عمامه‌های سر آویزان است. همچنین پوزنندی که بر دهان زنان است، در اغلب نگاره‌ها دیده می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های خاص هنر عربی که در بیشتر آثار هنرهای اسلامی به ویژه آثار فلزی موصلى جلوه‌گر است.

منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر، ۱۳۶۲، بررسی هنر فلزکاری در وران سلجوقی، مجله فرهنگ و هنر، شماره ۳، صص ۱۷۹-۱۶۴.
- الباش، حسن، ۱۹۵۹، التصویر الاسلامی فی العصور الوسطی، بالقاهره، مطبعة لجنته البيان.
- العبيدي، صلاح‌حسين، ۱۳۹۰، آثار فلزی مکتب موصلى در عصر عباسی، ترجمه محمد افروغ و مسعود احمدی، تهران، انتشارات جمال هنر.
- بيانی، سوسن، ۱۳۸۲، گفتاری در مورد فلز و فلزکاری و باستانشناسی، گروه باستانشناسی، دانشگاه تهران.
- تالیوت رایس، دیوید، ۱۳۸۴، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- حمزه‌لو، منوچهر، ۱۳۸۳، هنر قلمزنی در ایران، تهران، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دیماند، موریس، ۱۹۵۸، الفنون الاسلامیه(هنرهای اسلامی)، مترجم به عربی احمد محمد عیسی، چاپ قاهره.
- کنی، شیلا ر، ۱۳۹۳، جزئیاتی از هنر اسلامی، ترجمه افسون گر فراتست، تهران، انتشارات فرهنگ‌سرای میربدشتی.
- محمد حسن، زکی، ۱۹۵۵، مدرسه بغداد فی التصویر الاسلامی، جلد الاول، طبع و نشر بغداد.
- هاگه‌دورن، آنثه، ۱۳۹۴، هنر اسلامی، ترجمه عطیه عصارپور، مسیح آذرخش، تهران، انتشارات یساولی.
- وارد، ریچل، ۱۳۸۴، فلزکاری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات مطالعات هنر اسلامی.
- Harari, Ralph, 1939, Metalwork after the early Islamic period, in pope (A.U) Survey of Persian Art, III, London and Newyork.
- Lane pool, Stanley ,1886, the art of the Saracens in Egypt , Chapman and Hall,London
- Rice, Studies in Islamic Metalwork.Bull.school of oriental studies, part II, 1953, Vol.
- Ward,Rachel,1993, Islamic metalwork, Cataluga of Victoria and Albert museum, London.

Analysis on the Aesthetic Dimensions of the Shoja Ibn Mone Mosuli of pitcher

Abstract

metalwork of Art - industry in Mosul city, was one of the most important metalworking schools in the Islamic period, especially in the sixth century and the seventh century AH and during the reign of the Al-Zangi family, and in particular, Badr al-Dīn is the most important ruler of this family. artists and artisans of this period managed to exploit and influence the techniques of making and decorating metalwork from past civilizations And the adjacent Sassanid civilization was introduced into the Islamic world, and in particular the Seljuk civilization and the metalworker of Khorasan, Producing the best works by utilizing creativity and innovation in the construction and decorating of native identity, culture and customs of Mosul. among the famous Mosul products, one can mention the watersheds of this school, one of the most important products in the field of metal containers. Shoja bin Monet Mousali is one of the most prominent waterfalls in the Mosul metals School. which, in terms of cognitive and aesthetic and sociological and ethnological values, can be a good source for identifying the society and the people of Mosul in the seventh century AH. The water has been decorated with the most advanced casting technology and is decorated with the most qualitative decorative design, that is, silver coinage. Stories motif-playing are the kind of common themes of the time of Mosul society (aristocratic and sublime class). the threads on the body of the water are: Sport, music, dance, hunting, fighting and dressing. This paper is of fundamental type, descriptive-analytical research method and library information gathering method.

Keywords: Mousel, water, metallurgy, Shoja ibn mone Mousel

سال ششم، شماره ۳ (پیاپی: ۵۳)، مرداد ۱۴۰۰

پژوهش هنر و علوم انسانی

ISSN: 2538-6298